

مقدمه

تاریخ تمدن نشانگر نقش کلیدی راه‌های تجاری در روابط میان‌فرهنگی و تحولات اجتماعی است. بسیاری از دستاوردهای علمی، تکنیکی، فکری و معنوی حیات انسانی، از طریق راه‌های تجاری و تکاپوی بازرگانان، سیاحان و زائران به نقاط مختلف جهان انتقال پیدا کرده است. راه ابریشم، شاهراه بازرگانی دنیای قدیم، معبری برای تبادل علم، فن، هنر، صنعت، خط، زبان و دین میان فرهنگ‌ها و تمدن‌های گوناگون به‌شمار می‌رود. تصویری که این معبر تاریخی، از ارتباطات آیینی جوامع بشری ترسیم می‌کند، برای پژوهشگران رشته‌های مختلف علوم انسانی، از جمله مورخان، مردم‌شناسان، جامعه‌شناسان و سایر محققان از جنبه‌های گوناگون ارزشمند است. بررسی تبادلات آیینی در جاده ابریشم، مدخل سودمندی برای مباحث مربوط به علم کلام، دین‌شناسی تطبیقی، تصوف و تاریخ هنر محسوب می‌شود. این بررسی، به لحاظ ماهیت آن، صرفاً در محدوده مباحث شناختی، پدیدارشناسی دین، ملل و نحل باقی نمانده، بلکه به قلمرو بررسی آداب و رسوم، اساطیر، معابد و مراسم، سروده‌ها و سازه‌های هنری و معماری نیز راه پیدا می‌کند. سؤال اصلی این پژوهش، این است که چه عواملی بر دادوستدهای آیینی و روند گفت‌وگوی ادیان در جاده ابریشم تأثیرگذار است؟

در بررسی پیشینه مقاله حاضر می‌توان به منابعی چون «تحولات مذهبی و فرهنگی در مسیر جاده ابریشم» از ریچارد فولتنر در *هفته‌نامه اقتصاد و فرهنگ* در سال ۲۰۰۲ اشاره کرد. نویسنده در این اثر بر نقش تجار، سیاحان، مبلغان، زائران و مهاجرانی که در مسیر جاده ابریشم تردد داشته‌اند در ارتباطات فرهنگی تأکید کرده است. در واقع در این پژوهش گروه‌های مذکور در انتقال اندیشه‌های دینی تا سده ۱۵ مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

مقاله دیگر با عنوان «نقش ایران در جاده ابریشم؛ تا پایان عهد ساسانی» به قلم رضا عنایت‌الله (۱۳۷۶) در فصلنامه *ایران شناخت* به چاپ رسیده است. در این پژوهش، نویسنده صرفاً به اهمیت راه‌های بازرگانی زمینی و دریایی برای دولت‌ها در عهد باستان و تجارت ابریشم از این مسیرها پرداخته است. اثر دیگر، مقاله‌ای از حسن رضایی باغ‌بیدی (۱۳۷۶)، تحت عنوان «نقش جاده ابریشم در انتقال مانویت به شرق» است که در فصلنامه *ایران شناخت* به چاپ رسیده است. همان‌گونه که از عنوان مقاله برمی‌آید، در این اثر، تنها به انتقال آیین مانوی در شرق اشاره شده است، در حالی که این مقاله، با استناد به متون تاریخی و پژوهش‌های تاریخ ادیان به تبادلات آیین‌های مختلف، روند گفت‌وگوی ادیان و عوامل مؤثر در آن تأکید داشته است.

واکاوی عوامل مؤثر بر داد و ستدهای آیینی در جاده ابریشم؛
با تأکید بر نقش ادیان هندی

zalizadehbirjandi@birjand.ac.ir
z_hamedi2003@yahoo.com
akram.naseri@stu.um.ac.ir

زهرا علیزاده بیرجندی / دانشیار گروه تاریخ دانشگاه بیرجند
زهرا حامدی / استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی داراب
اکرم ناصری / دانشجوی دکتری تاریخ ایران دانشگاه فردوسی مشهد
دریافت: ۱۳۹۵/۰۴/۲۰ - پذیرش: ۱۳۹۵/۰۸/۲۱

چکیده

جاده ابریشم نمونه بی‌نظیری از تعامل ادیان و آیین‌های کشورهای است که در مسیر این جاده قرار داشته، و یا در طول این شاهراه تردد می‌کرده‌اند. در این زمینه، نقش ادیان هندی در تبادلات آیینی و ارتباط میان‌فرهنگی، به دلایل خاص برجسته است. این رویارویی‌های آیینی در مسیر جاده ابریشم، ضمن اینکه پیامدها و تأثیرات گوناگونی به همراه داشته، در شکل‌گیری هویت این جاده از گذشته تا به امروز نقش‌آفرینی کرده است.

پیامدهای حاصل از این ارتباط آیینی را می‌توان در ابعاد گوناگون هنری، اندیشه‌ای، اجتماعی و سیاسی دسته‌بندی کرد. در واقع تحلیل و ارزیابی این تأثیرات، در بسیاری از تحولات هنری از جمله تحول مجسمه‌سازی و نقاشی و ویژگی تلفیقی بودن هنر و معماری فرهنگ‌های حاشیه جاده ابریشم معنا پیدا می‌کند.

افزون بر تحول سبک‌های هنری، تحولات آیینی و صبغه التقاطی برخی مذاهب، که ناشی از جابجایی عقاید مختلف در طول جاده ابریشم و رویارویی آنها با یکدیگر است، تبیین خواهد شد. این مقاله، با روش تحلیلی بر آن است که موقعیت کشور هند در داد و ستدهای آیینی جاده ابریشم، تأثیر رویارویی‌های آیینی و عوامل مؤثر بر آن و روند گفت‌وگوی ادیان در جاده ابریشم را مورد بررسی قرار دهد. یافته‌های پژوهش حکایت از این دارد که تأثیر نگرش‌ها و تمایلات سیاسی قدرت‌های مسلط بر جاده ابریشم و مبانی عقیدتی و بنیان‌های فکری آیین‌ها در تبادلات آیینی است.

کلیدواژه‌ها: جاده ابریشم، هند، تحولات آیینی، ادیان هندی.

جاده ابریشم و داد و ستدهای آیینی

«راه ابریشم» به شبکه‌ای از جاده‌های زمینی اطلاق می‌شود که از مرزهای غربی کشور چین آغاز و پس از عبور از فلات ایران، به بندر انطاکیه در کنار دریای مدیترانه می‌پیوست. این راه از شرق چین آغاز می‌شده است. کاروان‌ها از شهر سیان (شیان، چانگان) یا «لوپانگ» راه خود را آغاز می‌کردند. سپس، از گردنه‌های کوه «لونگ» می‌گذشتند. آن‌گاه پس از عبور از گذرگاه کرانه شرقی رود «زرد» از واحه حوزة رود «تاریم» عبور می‌کردند و از شیب‌های پربرف فلات پامیر بالا می‌رفتند و از طریق ترکستان چین (سین کیانگ)، «کاشغر» و «اترار» (ماورای سیحون) به ماوراءالنهر می‌رسیدند. شهرهای عمده سمرقند و بخارا، مهم‌ترین منزلگاه‌های این قسمت از راه بودند. سپس، راه به جیحون می‌رسید. سرانجام از طریق شهرهای «سرخس» و «توس» وارد ایران می‌شد (تارچند، ۱۳۴۲، ص ۵). مسیر راه در ایران، پس از عبور از شهر توس و مشهد به نیشابور می‌رسید و از آنجا شهرهای سبزوار، شاهرود، دامغان، سمنان، ری (تهران)، قزوین، یکی پس از دیگری بر سر راه قرار داشتند. بعد از قزوین، راه به دو شاخه تقسیم می‌شد: یک مسیر از طریق همدان به کرمانشاه (میسین) و سپس سلیمانیه و بغداد می‌رسید و در آنج، به یکی از بنادر شرقی دریای مدیترانه می‌رسید. راه دیگر از طریق تبریز به ترکیه کنونی وارد می‌شده است (چکنگی و دیگران، ۱۳۷۵، ص ۶۳).

این شاهراه بازرگانی، با طولی بالغ بر هشت هزار کیلومتر مربع، نه تنها چینیان و اروپاییان، بلکه بسیاری از اقوام آسیای مرکزی و خاورمیانه را در طول ۱۶۰۰ سال موجودیت، به هم پیوند می‌داد. این جاده، قابلیت انتقال طیف گسترده‌ای از کالاهای مختلف از جمله سنگ‌های قیمتی، مصنوعات گوناگون و از همه مهم‌تر ابریشم را داشت (احتشامی، ۱۳۸۱، ص ۳۴-۳۵). شیپولر، ضمن اشاره به خط سیر این جاده، از پیوند آن با جاده شاهی در دوره هخامنشیان سخن گفته است (شیپولر و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۱۸۷).

نام «ابریشم» را کاشف آلمانی سده نوزدهم، *بارون فردیناند فون ریشتوفن* (Baron Ferdinand Von Richthofen) بر این جاده نهاد. گرچه مردمان امپراطوری بیزانس نیز نامی مشابه همین نام بر آن گذاشته بودند. چینی‌ها، راز کشف ابریشم را تا سده ششم میلادی پنهان کرده بودند. به همین دلیل، تنها فراهم‌آورنده بافته‌های لطیف تجملی برای غرب به‌شمار می‌آمدند. تجار غرب، برای دستیابی به ابریشم بود که به سوی شرق و تردد در این جاده کشانده می‌شدند. بجز ابریشم، بسیاری از گل‌ها و گیاهانی که آنها را منسوب به غرب می‌دانیم، مانند انواع رز، آزالیا، گل داودی، شقایق، کاملیا، هلو، مرکبات و گلابی، که ریشه در چین یا آسیای مرکزی داشتند، از جاده ابریشم به اروپا می‌رسید (فرانک و برانستون، ۱۳۸۷، ص ۱۳).

افزون بر مبادله کالا، بسیاری از افکار، علوم، فنون و ادیان نیز آسیا را از این شاهراه درنوردیدند. از این رو، اهمیت آن به عنوان کانون گفت‌وگوی تمدن‌ها نیز درخور نگرش است. در حال حاضر نیز این پیشینه‌های تاریخی و تمدنی جاده ابریشم برای آفرینش فرصت‌هایی برای آینده و در بحث تجارت الکترونیک نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد (ووگل و دیگران، ۲۰۰۳، ص ۳۹۴).

از این رو، می‌توان یکی از کارکردهای مهم این جاده را ارتباطات میان‌فرهنگی دانست که از طریق مبادله اندیشه‌های دینی و کالاهای فرهنگی، میان مردمانی از فرهنگ‌های مختلف رخ داده است. در زمینه تأثیر ادیان بر فرایند ارتباطات میان‌فرهنگی در مسیر جاده ابریشم، گفتنی است که ادیان یکی از مهم‌ترین وجوه عناصر فرهنگی ملت‌ها بوده است (محمدی، ۱۳۸۲، ص ۶۳).

در واقع هویت تاریخی جاده ابریشم، شامل کارکردهای تجاری و فرهنگی آن است. لذا در بررسی‌های تاریخی، روابط متقابل این کارکردها و تأثیر آنها در یکدیگر، باید مورد توجه قرار گیرد. در مورد تأثیر و روابط این کارکردها، تحلیل‌های مختلفی ارائه شده است. برخی محققان، جاده‌های تاریخی را در دو دسته جاده‌های مادی و جاده‌های معنوی دسته‌بندی کرده، و تأثیر جاده‌های مادی را در تغییرات، مقدم بر جاده‌های معنوی دانسته‌اند. براساس این نظریه، اصولاً جاده، مسیری است که زمان در آن حرکت می‌کند و از کنار هر مکانی که می‌گذرد، روح زمان را در آن وارد می‌کند (شریعتی، ۱۳۶۱، ص ۲۸-۲۹). برخی صاحب‌نظران هم نقش راه‌ها و جنب و جوش بازرگانان و سیاحان را عامل انتقال دستاوردهای علمی و صنعتی دانسته‌اند (زرین‌کوب، ۱۳۸۷، ص ۷۶).

نظریه‌های انسان‌شناسی نیز بر شخصیت بازرگانان و نقش این طبقه در تحولات اجتماعی و انتقال دستاوردهای تمدنی، تأکید داشته‌اند (فکوهی، ۱۳۸۱، ص ۶۰-۶۱). بیان دیدگاه‌های مطرح در این زمینه، از حوصله این مقاله خارج است. اما برای بیان تأثیرات کارکردهای تجاری و فرهنگی جاده ابریشم، شواهد تاریخی فراوانی وجود دارد که در جای خود به آن اشاره خواهد شد.

مسافران جاده ابریشم، یعنی بازرگانان، جهانگردان، مبلغان، زائران و مهاجران، جملگی در تبادل اندیشه‌های دینی و تحول آن نقش مهمی ایفا کرده‌اند (فولتر، ۲۰۰۰، ص ۱۶۰). این نقش‌آفرینی، در یک نگاه کلی با تأثیر عامل هجرت و مسافرت به عنوان یکی از مبانی تعامل تمدنی پیوند دارد (منصورنژاد، ۱۳۸۰، ص ۶۷).

موقعیت و شرایطی که در این شاهراه تاریخی برای گفت‌وگوی ادیان فراهم شده، یکسان نبوده است، همین ناهمسانی‌های فضای گفت‌وگو، بر ماهیت گفت‌وگو و نتایج حاصل از آن تأثیر گذارده است. موجبات بروز این ناهمسانی‌ها در عوامل ذیل نهفته است:

۱. نقش گفتمان سیاسی و ایدئولوژیکی مسلط بر جاده ابریشم: برای نمونه از آغاز خلافت عباسی مسلمانان و مسیحیان بیزانس در کرانه شرقی دریای مدیترانه با هم سازش داشتند. با وجود بروز برخی درگیری‌ها، تجارت در میان آنها صورت می‌گرفت. زائران مسیحی، به زیارت بیت‌المقدس می‌رفتند و خلفای اسلامی، مانعی در راه سفرهای زیارتی آنها ایجاد نمی‌کردند.

بهبود شرایط زیارت به شیوه‌های گوناگون، افکار غربیان را تحت تأثیر قرار می‌داد. وجود حکومتی مقتدر در جهان اسلام و به دنبال آن، ایجاد امنیت و آرامش در فلسطین می‌توانست شرایط مطلوبی را برای زائران ایجاد کند. در این زمینه، نگرش‌ها و سیاست دولت بیزانس بی‌تأثیر نبود (رانسیمان، ۱۳۸۰، ص ۶۷).

با ورود ترک‌های سلجوقی، شرایط تغییر کرد و راه‌های زیارتی مسیحیان قطع شد. در هنگامه آشفتگی و هرج و مرج اواخر سلطنت سلاجقه، زمینه یورش صلیبی‌ها فراهم گردید (حائری، ۱۳۳۸، ص ۳۰).

بنابراین، ویژگی‌های سیاسی ایدئولوژیکی قدرت‌های مسلط بر جاده ابریشم، تعاملات آیینی را تحت‌الشعاع خود قرار داده است. در این زمینه، شواهد تاریخی بسیاری وجود دارد. چنان‌که در دوران تسلط مغولان بر جاده ابریشم (حدوداً ۱۲۶۰ تا ۱۳۳۸م)، تساهل آنان و سیاست مذهبی مداراجویانه‌شان (مرتضوی، ۱۳۵۸، ص ۲۵۸)، زمینه مساعدی برای مسافرت جهانگردان، سیاحان و زائران پدید آورد و جاده ابریشم به یک شاهراه زیارتی مبدل گشت. در این زمینه، گروسه نیز اظهار می‌دارد که در دوران مغولان، این جاده اهمیت بیشتری کسب کرد. بخش عظیمی از تجارت میان امپراتوری مغول و اروپا، از این مسیر انجام می‌شد. توجه مغولان به امر تجارت و ضروری دانستن آن در تأمین مایحتاج، سبب شد که تجارت را با نگاه غیرسیاسی نگریده، مانع از اختلال در مسیرهای تجاری شوند (گروسه، ۱۳۳۸، ص ۹۲-۹۳).

سیاست‌های تیمور نیز در پویایی تجارت و به دنبال آنها، رویارویی ادیان، شاهد دیگری در این زمینه است. توجه تیمور به سمرقند و بازسازی آن سبب شد که بازرگانان ترک، عرب، مراکشی، مسیحیان، یونانیان و آرامنه ارتدوکس، نستوری‌ها در کنار هندیان تجارت کنند؛ چراکه بازارهای سمرقند سرشار از کالاهایی بود که از سرزمین‌های روسیه، تاتارستان، چین و هند آورده می‌شد. کلاویخو شرح مفصلی از تکاپوها و رویارویی‌های تجار در سمرقند را ارائه کرده است (کلاویخو، ۱۳۴۴، ص ۱۹؛ دانشگاه کمبریج، ۱۳۷۹، ص ۱۹۶-۱۹۷).

بارتولد در زمینه اهمیت تجاری سمرقند در این جاده می‌نویسد: سمرقند نقطه عزیمت کاروان‌هایی بود که به چین می‌رفتند و نقطه ورود تمام کاروان‌هایی بود که از چین می‌آمدند. سمرقند به عنوان یک

مرکز تجاری بزرگ در طول حاکمیت تیمور و جانشینانش او بود (بارتولد، ۱۳۷۶، ص ۲۱۱). اهمیت تجاری سمرقند و علائق چینی‌ها به برقراری روابط تجاری با سمرقند، به اندازه‌ای بود که دروازه شرقی، تجار سمرقند به «دروازه چین» اشتباه داشت (بارتولد، ۱۳۶۶، ص ۲۱۰؛ قریب، ۱۳۷۴، ص ۱۷).

۲. مبانی عقیدتی و بنیان‌های فکری آیین‌ها: عامل دیگری که در داد و ستدهای آیینی و نتایج حاصل از آن در جاده ابریشم تأثیر گذارده، مبانی عقیدتی ادیان است. یکی از پیش‌شرط‌های گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و ادیان در سطوح خرد و کلان (فردی و اجتماعی)، اصل تسامح و مدارا با افکار است. ادیانی که در بنیان‌های فکری و کردارهای گفتمانی خود از این اصل برخوردارند، در جلب مخاطبان و نفوذ در آنها توفیق بیشتری دارند. جابه‌جایی اندیشه‌های عرفانی و مکاتب وابسته به آنها و نفوذ فرهنگ بودایی، تحت تأثیر این عامل قرار دارد. اعتدال و میانه‌روی در قواعد اخلاقی (ناس، ۱۳۷۰، ص ۱۸۷)، فقدان امتیازات طبقاتی، نژادی و ملی (مشکور، ۱۳۶۹، ص ۷۴)، تلطیف عقاید، جدیت عمیق و توجه خاص آیین بودا به بشر دوستی (شایگان، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۱۲۶)، عمده‌ترین دلایل انتقال این آیین در جاده ابریشم به‌شمار می‌رود. مهم‌ترین نکته در اعتدال آیین بودا، تفاوت‌های آیین بودا و هندو در باب ریاضت است. در این زمینه، بودا عقیده دارد که ریاضت جز به نابودی تن به جایی نمی‌انجامد و رسیدن به حقیقت مستلزم نفی تن و ظاهر نیست (شریعتی، ۱۳۷۰، ص ۱۳۸). پیامدهای ناشی از این انتقال در عرصه‌های گوناگون به گونه‌ای است که برخی از آن، به عنوان یک انقلاب فکری و هنری نه‌تنها در چین، بلکه در سراسر شرق دور یاد کرده‌اند. به دلیل گستردگی این تأثیرات، گفته شده چشمگیرترین کالایی که در مسیر جاده ابریشم حمل شده، ابریشم بوده، بلکه مذهب و بی‌شک بودا مهم‌ترین آنها است (باهارا، ۲۰۰۲، ص ۵۰۷۸).

علاوه بر آیین بودا، باید از گسترش مانویت از طریق جاده ابریشم یاد کرد. این امر، مدیون تلاش مداوم مبلغان دینی و بازرگانان سغدی بود که نبض اقتصاد را در جاده ابریشم در دست داشتند. لازم به یادآوری است که بیشترین پیروان مانی در ماوراءالنهر، سغدیان بودند. سغد بخش بزرگی از جلگه میان دو رود جیحون و سیحون که مرکز آن سغد بود (رضایی باغ‌بیدی، ۱۳۷۶، ص ۲۱۶).

از سده چهارم میلادی به بعد، مانویت در مناطق جنوبی سمرقند، به‌خصوص در نواحی اطراف بلخ و تخارستان، نفوذی عمیق یافت (حدود العالم من المشرق الی المغرب، ۱۳۷۲، ص ۳۳۱). مانویت تجارت را امری مهم تلقی می‌کردند و در بسیاری از متون، در کنار تبلیغ از آن یاد کرده‌اند. به‌طوری‌که آمیختگی تجارت و تبلیغ را می‌توان در نخستین سفر مانی به هند مشاهده کرد (مرعشی، ۱۳۷۴، ص ۵۶؛ مظاهری، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۷۱۱-۷۱۲). در دوران اسلامی نیز این جاده رونق زیادی یافت. بخش قابل‌توجهی از مناسبات

تجاری جهان اسلام از این طریق انجام می‌شد. این جاده، از قرن سوم هجری اهمیت دوباره خود را بازیافت (ابن خردادبه، ۱۳۷۱، ص ۲۲).

نمودهای دادوستدهای آیینی

تبادلات آیینی و ارتباطات میان‌فرهنگی ادیان در مسیر جاده ابریشم، نمودها و پیامدهایی را با خود به همراه داشته است. برخی صاحب‌نظران در حوزه مباحث دین و ارتباطات میان‌فرهنگی، یکی از نمودهای تبادلات فرهنگی را پیدایش ادیان تلفیقی دانسته‌اند. در این زمینه، بسیاری ادیبانی که در نتیجه ارتباط میان فرهنگ‌ها و بر مبنای ترکیب و ادغام و التقاط پدید آمده‌اند. برای نمونه، می‌توان به آیین سیک‌ها اشاره کرد که ترکیبی از دو دین بودا و اسلام و حاصل مواجهه دو فرهنگ اسلامی و هندو است. دین مانی، نیز مثال دیگری در این زمینه است. مانویت نیز یک دین ترکیبی و التقاطی بوده، چنان‌که مانی در محل ملتقای سه فرهنگ سامی، ایرانی و لاتین زندگی می‌کرده است (محمدی، ۱۳۸۲، ص ۶۴).

در همین زمینه، باید از آیین بودا سخن گفت. این آیین، در جریان انتقال با سنن فرهنگی و دینی مناطق دیگر در هم آمیخت. در نتیجه این آمیختگی، فرقه‌های مختلف بودایی پدید آمد. مثال روشن این فرقه‌گرایی، کشور ژاپن است. امروزه تعداد فرق انشعابی آیین بودا در این کشور، به ۲۸ فرقه می‌رسد که هریک تعلیمات و نظریه‌های متفاوتی را اختیار کرده‌اند (موری موتو، ۱۳۸۲، ص ۴۵).

رویاری ادیان ایرانی با بودیسم نیز به لحاظ تأثیراتی که در تبادلات آیینی جاده ابریشم داشته، از مباحث قابل توجه است. با اتکا به اخبار اساطیری و روایات تاریخی، می‌توان شواهدی از سابقه آشنایی ایرانیان به آیین بودا پیدا کرد (حکمت، ۱۳۸۷، ص ۱۵۲). هیون تسانگ، زایر بودایی اهل چین، از کثرت راهبان و تعدد معابد بودایی در بلخ و وجود بعضی اشیای متبرک منسوب به بودا در قلمرو و یا خزانه پادشاه ایران سخن گفته است. در زمینه آشنایی ایرانیان، به‌ویژه نواحی خراسان با تعالیم بودا، نشانه‌های گوناگونی در روایت‌های تاریخی ارائه شده که از آن میان، می‌توان به قصه *ابراهیم/دهم*، شاهزاده بلخ، تولیت معبد نوبهار بودایی بلخ توسط جد برمکیان، ذکر نام گئوتمه در اوستا و قصه *لهراسب* و اعتکاف او در نوبهار اشاره کرد (زرین کوب، ۱۳۶۹، ص ۱۳۲-۱۳۴). در اینجا به آنها می‌پردازیم:

- قصه *ابراهیم/دهم* شاهزاده بلخ: بنا بر شرح حال *ابراهیم/دهم*، که در متون عرفانی آمده، زندگی وی شباهتی با زندگی بودا داشته است. چنان‌که هر دو شاهزاده بوده‌اند. در *نفحات الانس جامی* اشاره

شده که *ابراهیم/دهم* از ابنای ملوک بود و در جوانی توبه کرد. وی هنگامی که برای صید بیرون رفته بود، هاتقی آواز داد که *ابراهیم*، نه برای این کار آفریده‌اند تو را. وی پس از این حادثه، به طریقت متمایل شد (جامی، ۱۳۸۶، ص ۳۷).

- تولیت معبد نوبهار بودایی بلخ توسط جد برمکیان: در مورد معبد نوبهار و برامکه، مطالبی در متون تاریخی نگاشته شده است. نوبهار در شهر بلخ، بنایی متعلق به برمکیان بود. کلمه «نوبهار» مرکب از دو کلمه «نَو» و «ویهار» می‌باشد که کلمه اول به معنی نو و تازه و «ویهار» به معنی صومعه و دیر است (ابوالقاسم بن غسان، ۱۳۸۹، مقدمه). *مسعودی* در *مروج الذهب*، در مورد معبد نوبهار اظهار داشته که این معبد را *منوچهر*، در شهر بلخ خراسان به نام «ماه» بنا نهاد و کسی که پرده‌داری این خانه را بر عهده داشت، در نزد پادشاهان آن ناحیه محترم بود. این احترام به حدی بود که دستور وی را می‌پذیرفتند و حکم او را گردن می‌نهادند و مال فراوان بر آنجا وقف می‌کردند. بر اساس اظهارات *مسعودی*، پرده‌دار معبد نوبهار برمک نام داشت. این عنوان به هر کسی که پرده‌داری معبد را عهده‌دار می‌شد، تعلق می‌گرفت. برمکیان نیز نام خود را از اینجا داشتند (مسعودی، ۱۳۴۴، ج ۱، ص ۵۸۹). در واقع، در منابع مختلف و روایات قدیمی اشاره شده که برمکیان سدانیت و کهنات معبد نوبهار را، که معبدی بودایی بوده، بر عهده داشته‌اند (بووا، ۱۳۶۵، ص ۳). *مسعودی*، در ادامه از قول یکی از روایان و اهل تحقیق نقل کرده که بر در معبد نوبهار بلخ، به فارسی نوشته بود که *بوداسف* گوید: دربار پادشاهان به سه چیز نیازمند است: عقل، صبر و مال. و زیر آن به عربی نوشته است: *بوداسف* نادرست گفته، مرد آزاده اگر یکی از این سه چیز را داشته باشد، می‌باید ملازم دربار سلطان شود (مسعودی، ۱۳۴۴، ج ۱، ص ۵۹۰).

- زندگینامه بودا (کتاب بوداسف و بلوهر): در دوران اسلامی می‌توان نشانه‌های این آشنایی‌ها را از طریق بررسی زندگی‌نامه‌های بودا، به‌ویژه کتاب بوداسف و بلوهر، و فعالیت‌های گروهی از بازرگانان هندی که به طور دسته جمعی از دین بودا به اسلام گرویدند، پیگیری کرد. *مسعودی* در *مروج الذهب*، خاستگاه بوداسف را هندوستان دانسته و اظهار داشته که *بوداسف* از هند به سند آمد. آن هنگام به سیستان و زابلستان و کرمان رفت و دعوی پیامبری کرد. آن‌گاه به سرزمین فارس آمد و این در اوایل پادشاهی *طهمورث*، پادشاه ایران و به قولی در ایام پادشاهی *جم* بود. *بوداسف*، نخستین کسی بود که مذهب صابئیان را پدید آورد. وی به مردم می‌گفت: در این جهان زهد پیشه کنند و به عوالم بالا توجه کنند که پیدایش نفوس از آنجا بوده است (مسعودی، ۱۳۴۴، ص ۵۸۸). بازرگانان مذکور، در اقیانوس هند و

خلیج فارس به تجارت دریایی اشتغال داشتند و به تدریج، به فرقه اسماعیلیان گرایش پیدا کردند (موری موتو، ۱۳۸۲، ص ۳۲-۳۳).

افزون بر این، سفرهای برخی صوفیان از جمله حلاج به غرب هند، کشمیر، کابل، بلخ، بخار، سمرقند، ترکستان و ماصین (منطقه خودمختاری در کشور چین) زمینه تأثیرپذیری از افکار هندی، به ویژه تفکرات بودایی را فراهم آورد (موری موتو، ۱۳۸۲، ص ۳۳).

حلاج و تأثیرپذیری او از افکار هندی

در منابعی که پیرامون زندگی حلاج پرداخته، به سفرهای او به هندوستان و تأثیرپذیری او از اندیشه‌های هندی اشاره شده است. چنان‌که ماسینون در قوس زندگی منصور حلاج، در مورد این سفرها می‌نویسد: «حلاج بار دیگر به جهانگردی پرداخت. قصد کرد شهرهای بیرون از قلمرو اسلام را ببیند. آنجایی را بشناسد که مردمان فراتر از سد یا جوج و مأجوج می‌دانستند و خارج از منطقه، شفاعت محمدی می‌پنداشتند. به دنبال این تصمیم از هندوان هندوستان و پیروان مانی و بودائیان ماوراءالنهر دیدن کرد. آنها این جهانگردی را از راه دریا آغاز کرد و در هندوستان از کنار رود سند پیش رفت و به کشمیر رسید؛ یعنی آن شهری که کاروانیان اهوازی پیوسته زربفت‌های طراز و تستر را به آنجا آورده، به جای آن کاغذ نغز چینی - چاچنو - به بغداد می‌بردند. بعدها شاگردان حلاج، آثار استاد خویش را بر همین کاغذها می‌نگاشتند. منصور حلاج، در کشمیر با این کاروانیان همراه شد، با ایشان از گذرگاه‌های پیچاپیچ کهساران به سوی شمال شرق تا تورفان (چین) به پیش رفت (ماسینون، ۱۳۷۳، ص ۲۷). حلاج از مسافرت‌های خود مطالب و افکاری را به ارمغان آورد که در صوفیگری غوغایی به پا کرد و در اندیشه‌ای صوفیانه تحولی ایجاد نمود (گلجان، ۱۳۶۵، ص ۴۰).

برخی معتقدند حلاج پرسه‌زنی‌های شبانه در قبرستان را از شیوه سیر و سلوک بودا اقتباس کرده است (موری موتو، ۱۳۸۲، ص ۳۹).

برخی محققان شرقی، در بررسی تعاملات آیین بودا و ادیان ایرانی، از نقش ایرانی‌ها در انتقال آیین بودا به چین سخن گفته‌اند. مطابق این نظریه، معابر ورود دین بودا به چین از طریق نپال، تبت و آسیای مرکزی بوده است. بیشتر مبلغان بودایی در آسیای مرکزی ایرانیانی بوده‌اند که دین بودایی را پذیرفته، و با میزان قابل توجهی افکار و اندیشه‌های ایرانی خود، دین بودا را به داخل چین بردند. حتی بسیاری از مترجمان اولیه آثار بودایی به زبان چینی در حقیقت ایرانی بودند. اگرچه این مطلب و نقش این

مترجمان بررسی‌های دقیق‌تری را طلب می‌کند، با این حال در مورد تأثیر افکار ایرانی و صبغه ایرانی، دین بودایی که به چین رفت، دلایلی اقامه شده که درخور توجه است. برای نمونه، عقیده ظهور منجی که در آیین میترا و ادیان ایرانی مطرح بوده، در بودای چینی مشاهده می‌شود. بحث منجی در تعلیمات بودایی آن زمان نبوده، اما در چین بودایی پیدا می‌شود به نام «مایتری» که بودای آخرالزمان است (موری موتو، ۱۳۸۲، ص ۷۴).

افزون بر عرصه‌های فکری، نمونه‌های دیگر تبادلات آیینی را می‌توان در حوزه هنر جست‌وجو کرد. شواهد تاریخی و کاوش‌های باستان‌شناسی تأثیر بودا را بر شمایل‌نگاری، پیکره‌سازی، نقاشی و معماری مناطقی که بودیسم به آنجا راه یافته نشان می‌دهد، هم‌نشینی سنت‌های محلی و الگوهای بودایی، سبک‌های تلفیقی را در شاخه‌های مختلف هنری به وجود آورده است. نمونه‌هایی از تأثیرات هنری بودا را می‌توان در تندیس‌های بودا، در آسیای مرکزی مشاهده کرد (مانزو، ۱۳۸۰، ص ۴۶-۴۸).

این تندیس‌ها در هر منطقه‌ای، تحت تأثیر سنت‌های محلی، شکل خاصی پیدا کرده است. همین امر، سبب تمایز مجسمه بودای هندی با انواع چینی و ایرانی آن است (موری موتو، ۱۳۸۲، ص ۷۵).

- تأثیرات هنری آیین بودا در شهرهایی که از بُعد تجاری مرکزیت و یا اهمیت داشته‌اند، نمود بیشتری دارد. نمونه این تأثیر را می‌توان در غار - معبد‌های شهر دون هوآنگ چین یافت. دون هوآنگ، شهری مرزی و دروازه راه‌های تجاری است که از آسیای مرکزی عبور می‌کنند. این شهر، قرارگاه نگهبانان مرزی چین، مقر تجاری مردم و نقطه ورود مبلغان بودایی نیز به‌شمار می‌آمد. در نزدیکی این شهر، راهبان معابد، کتابخانه‌های غنی و پرباری داشتند که محققان و مترجمان در آن، به ترجمه متون بودایی مشغول بودند (تریگی، ۱۳۸۳، ص ۸۸).

بر اساس این شواهد، برخی محققان از پیوندهای تنگاتنگ آیین بودا و تجارت سخن گفته‌اند. این ارتباط، عمدتاً به دلیل اتکای جامعه روحانی بودایی به نذورات حمایت‌کنندگان آن است. نخستین اهداکنندگان و مهم‌ترین مشوقان بودا و پیروانش، تجار و بانک‌داران ثروتمند بودند. اسناد مصور، نذورات اهدایی به معابد بودایی در هند و اهمیت حمایت‌های سیاسی و تجاری از نهادها و مؤسسات بودایی را تأیید می‌کند. ادبیات بودایی نیز بر این پیوندها صحنه می‌گذارد. در یکی از مهم‌ترین قطعه‌های ادبی بودایی، دو تاجر به نام‌های تراپوسا (Trapusa) و بهالیکا (Bhalika) در هفته هفتم بعد از رسیدن به مقام حقیقت (مقام بودهی)، به بودا نزدیک شده و یک برنج و عسل تقدیم وی می‌کنند. پس از تقدیم این هدایا، تراپوسا و بهالیکا از حواریون نزدیک بودا شده و تکه‌هایی از ناخن و موی بودا را دریافت می‌کنند (رایس، ۱۸۹۰، ص ۲۷۴).

افزون بر بازتاب و جلوه‌های هنری تبدلات آیینی در جاده ابریشم، عامل مهم دیگری که در گفت‌وگوی ادیان در این شاهراه تاریخی نقش‌آفرینی کرده، تصوف و اندیشه‌های عرفانی است. اندیشه‌های عارفانه بستر گفت‌وگوی ادیان و نزدیکی آنها را به هم فراهم نموده است، چنان‌که گفت‌وگوی اسلام با مذاهب هندو، نزد عارف مسلمان *داراشکوه مثالی* از این گفت‌وگوست. *داراشکوه*، از مشایخ بزرگ صوفیان فادریه، از اولین کسانی است که کتب مقدسه هندوان از جمله اوپانیشادها را به زبان فارسی ترجمه کرد. بنیاد کار *داراشکوه* هم‌زمانی و دیالوگ دو دین اسلام و هندو است. این گفت‌وگو در کتاب *مجمع البحرین* او نمود پیدا کرده است (پازوکی، ۱۳۸۲، ص ۴۲). بحث در این زمینه، مقاله مستقلی را طلب می‌کند. لازم به یادآوری است که تصوف اسلامی، که خود از عرفان مسیحی و هندی و حکمت نوافلاطونی تأثیر پذیرفته، سایر فرهنگ‌ها و ادیان را هم تحت تأثیر خود قرار داده است. چنان‌که انتشار اسلام در میان هندیان از طریق فرقه‌های متصوفه صورت گرفت (زرین کوب، ۱۳۸۹: ص ۱۵۶).

نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت می‌توان به نقش و جایگاه مهم جاده ابریشم در رویارویی و تعامل ادیان کشورهای که در مسیر این جاده قرار داشته و یا در طول آن تردد می‌کرده‌اند، پی برد. در نتیجه تماس و گفت‌وگوی ادیان در این جاده، بسیاری از اندیشه‌های دینی، عرفانی و سبک‌های هنری، به نقاط دیگر انتقال یافت. بررسی این داد و ستدهای آیینی، دلایل مشابهت اندیشه‌های دینی و برخی همسانی‌های فرهنگی تمدن‌های گوناگون را آشکار می‌سازد. پیامدها و نتایج حاصل از تبدلات آیینی که در این مقاله به آن پرداخته شد، به اختصار عبارتند از:

- فرقه‌گرایی و تشعب در آیین‌ها (مانند آیین بودا)؛
- پیدایش ادیان و آیین‌های التقاطی مانند آیین مانی، آیین کبیر و آیین اکبری؛
- ظهور سبک‌های هنری تلفیقی و التقاطی، و متأثر از اندیشه‌ها و مناسک دینی؛
- تأثیر و تأثر متقابل عرفان‌های هندی، اسلامی و مسیحی در یکدیگر؛
- تأثیر مکاتب و فرقه‌های صوفیانه در گسترش ادیان و تلطیف عقاید آنها.

منابع

- ابن خردادبه، ۱۳۷۱، *مسالك و ممالک*، ترجمه سعید خاگرد، تهران، مطالعات و انتشارات تاریخی.
- ابوالقاسم بن غسان، ۱۳۸۹، *تاریخ برامکه*، ترجمه منسوب به محمدبن حسین بن عمر عرووی، به اهتمام و تصحیح عبدالعظیم قریب، تهران، اساطیر.
- احتشامی، منوچهر، ۱۳۸۱، *راه و راه سازی در ایران*، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- اشپولر و دیگران، ۱۳۸۰، *ترکان در ایران*، ترجمه یعقوب آژند، تهران، مولی.
- بارتولد، واسیلی، ۱۳۷۶، *تاریخ ترک‌های آسیای مرکزی*، ترجمه غفار حسینی، تهران، توس.
- بارتولد، واسیلی، ۱۳۶۶، *ترکستان نامه*، ترجمه کریم کشاورز، تهران، آگاه.
- بووا، لوسین، ۱۳۶۵، *برمکیان بنابر روایات مورخین عرب و ایرانی*، ترجمه عبدالحسین میکده، تهران، علمی و فرهنگی.
- پازوکی، شهرام، ۱۳۸۲، "عرفان صراط مستقیم گفت‌وگوی ادیان" در: *همایش عرفان: پلی میان فرهنگ‌ها*، بزرگداشت پرفسور آنه ماری شیمل، تهران، دانشگاه تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- تارچند، ۱۳۴۲، *روابط ایران و هند*، تهران: نشریه اداره اطلاعات هند.
- تریگیر، مری، ۱۳۸۳، *هنر چین*، ترجمه فرزانه طاهری، تهران، فرهنگستان هنر.
- جامی، عبدالرحمان بن احمد، ۱۳۸۶، *نفحات الانس من حضرات القدس*، تصحیح محمود عابدی، تهران، سخن.
- چکنگی، علی و دیگران، ۱۳۷۵، *راه ابریشم*، مشهد، آستان قدس رضوی.
- حائری، عبدالهادی، ۱۳۶۸، *ایران و جهان، کارنامه اسلام*، مشهد، آستان قدس رضوی.
- حدودالعالم من المشرق الی المغرب*، ۱۳۷۲، با تعلیقات و. مینورسکی، با تصحیح و حواشی مریم میراحمدی و غلامرضا ورهرام، تهران، دانشگاه الزهراء.
- حکمت، علی اصغر، ۱۳۸۷، *تاریخ ادیان*، تهران، پژوهشگاه.
- دانشگاه کمبریج، ۱۳۸۰، *تاریخ تیموریان به روایت کمبریج*، ترجمه یعقوب آژند، تهران، جامی.
- رانسیمان، استیون، ۱۳۸۰، *تاریخ جنگ‌های صلیبی*، ترجمه منوچهر کاشف، تهران، علمی و فرهنگی.
- رضایی باغ بیدی، حسن، ۱۳۷۶، «نقش جاده ابریشم در انتقال مانویت به شرق»، *ایران شناخت*، ش ۵، ص ۲۱۲-۲۲۷.
- زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۶۹، *در قلمرو وجدان*، تهران، علمی و فرهنگی.
- ____، ۱۳۸۷، *تاریخ در ترازو*، تهران، امیرکبیر.
- ____، ۱۳۸۹، *کارنامه اسلام*، تهران، امیرکبیر.
- شایگان، داریوش، ۱۳۵۶، *ادیان و مکتب‌های فلسفی هند*، تهران، امیرکبیر.
- شریعتی، علی، ۱۳۶۱، *بازشناسی هویت ایرانی-اسلامی*، تهران، الهام.

- شریعتی، علی، ۱۳۷۰، *تاریخ و شناخت ادیان*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- عنایت‌الله رضا، ۱۳۷۶، «نقش ایران در جاده ابریشم تا پایان عهد ساسانی»، *ایران شناخت*، ش ۵، ص ۲۱۱-۱۹۸.
- فرانک، آیرین و دیوید براونستون، ۱۳۸۷، *جاده ابریشم*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، سروش.
- فکوهی، ناصر، ۱۳۸۱، *تاریخ اندیشه‌ها و نظریه‌های انسان‌شناسی*، تهران، نشر نی.
- قریب، بدرالزمان، ۱۳۷۴، *فرهنگ سغدی*، تهران، فرهنگیان.
- کلاویخو، روی گنزالوس، ۱۳۴۴، *سفرنامه کلاویخو*، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- گروسه، رنه، ۱۳۶۸، *امپراتوری صحرانوردان*، ترجمه عبدالحسین میکده، تهران، علمی و فرهنگی.
- گلجان، عباس، ۱۳۵۶، *منصور حلاج*، تهران، اشرفی.
- ماسینون، لویی، ۱۳۷۳، *فوس زندگی منصور حلاج*، ترجمه روان فرهادی، تهران، منوچهری.
- مانزو، ژان پال، ۱۳۸۰، *هنر در آسیای مرکزی*، ترجمه محمدموسی هاشمی گلپایگانی، مشهد، به‌نشر.
- محمدی، مجید، ۱۳۸۲، *دین و ارتباطات*، تهران، کویر.
- مرتضوی، منوچهر، ۱۳۸۰، *مسایل عصر ایلخاناتان*، تهران، آگاه.
- مرعشی، سیدعلی، ۱۳۷۴، *از کهکشان تا اقوام خاورمیانه*، تهران، حدیث.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، ۱۳۴۴، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مشکور، جواد، ۱۳۶۹، *خلاصه ادیان در تاریخ دین‌های بزرگ*، تهران، شرق.
- مظاهری، علی، ۱۳۷۳، *جاده ابریشم*، ترجمه ملک ناصر نوبان، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- منصور نژاد، محمد، ۱۳۸۰، *رویکردهای نظری در گفت‌وگوی تمدن‌ها (هانتیگتول، فوکویاما، خاتمی، هابرماس)*، تهران، جهاد دانشگاهی.
- موری موتو، کوسه ئی، ۱۳۸۲، *پیوند آیین بودا و دین اسلام* (مجموعه سخنرانی‌های پرفسور موری موتو)، ترجمه ناهوکو تاوارا تانی، تهران، پژوهاک کیوان.
- ناس، جان، ۱۳۷۰، *تاریخ جامع ادیان*، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- Behera, Subhakanta, 2002, *India, s encounter with the silk road, Economic and political weekly*, Dec, 21.
- Foltz, Richard, 2000, *Religion of the silk road overland trade and cultural exchange from aniquity to fifteenth century*, NewYork: MacMillan.
- Rhys-Davids, 1890, *Questions of king milinda*, Oxford, Clarendon press, In: "Religions of the silk road".
- Vogel & others, 2003” *Etransformation of the Silk Road: Rejuvenating a Historical Trade Network*”, in: 16th Bled Ecommerce Conference Etransformation, Bled, Slovenia, June 9-11.

